

نظری به مسائل

توسعه نیافتگی

اشکال وابستگی

الف - جواد

طی دو سال اخیر مطالب متعددی درباره توسعه نیافتگی و وابستگی انتشار یافته و دیدگاه های مختلف در این مورد تا حدودی روشن شده است. اینکه نظرات مطروحه در جنبش جهانی چپ با سرعت بسیار زیادی در دسترس چپ ایران قرار گرفته و بر عمق محدودیت های حکومت فعلی، تحریکات جنبش انقلابی جهانی در اختیار انقلابیون ایران قرار میگیرد دستاورد بزرگی است. در این میان باره ای از موضوع کسری های سیاسی، فدم وجدید، در قالب این با آن نظریه بیان میشود و گاه به نظر میرسد که در این کار تنها رسیدن به نتیجه گیری سیاسی مطلوب هدف بوده است، لیکن نتیجه گیریهای عجولانه نمی تواند بیش از مدت کوتاهی دوام آورند. و در مقابل واقعیتها برودی رنگ میبازند. واضح است که این تنها به موضوع توسعه نیافتگی و وابستگی مربوط نیست و مسئله است که جنبش چپ در بسیاری از زمینه ها با آن روبرو است.

بهر حال تا جایی که به موضوع بحث ما مربوط میشود دو انحراف عمده را در بین نظرات ارائه شده میتوان نشان داد. ۱- انحرافی است که در قالب بحث "استقلال سیاسی وابستگی" توصیف میگردد. حل مسئله ی وابستگی از این دیدگاه (که ما اینجا همان سرمایه داریست) در بهترین حالت از حد حقیق برنامه ی اقتصادی فراتر نمیرود. این برنامه ها البته به اظهاراتی بدیهی چون لزوم تأکید بر سرمایه ی تولیدی، تقلیل مصرف کاذب و در نظر گرفتن نیازهای واقعی و شرایط نیروی کار و... خلاصه میگردد. بدین ترتیب هر اندازه انحراف مزبور در قالب این با آن نظریه و شکل خود را تغییر داده باشد اما این مباحث و نتایج هما نیست که بود.

۲- انحراف دیگر ضمن تصدیق اینکه نظام سیاسی در یک صورتی از جنبه های بر مبنای شیوه ی تولید غالب تعیین میگردد و با وجود تا حدی این واقعیت که امروزه در جامعه ی ایران "سورژواری ملی" رسالت تاریخی انقلابی ندارد لیکن با توصیف خاص خود از سرمایه داری وابسته هنوز در ورطه ی انقلاب دموکراتیک غوطه میخورد. این نظر "نوین" معتقد است که انقلاب دموکراتیک جامعه را به بهترین حالت اقتصادی از نظر طبقه ی کارگر سوق میدهد و این "حالت" اقتصادی باید پیش از وابستگی را از زمین ببرد و راه را برای "استقرار" سوسیالیسم هموار سازد. (برای نمونه نگاه کنید به بکار رتئوریک شماره ۱۲).

البته قضا در مقاله ی حاضر نقد انحرافات مزبور نیست لیکن در طول بحث به بعضی از ریشه های اصلی این قبیل انحرافات برخورد خواهیم داشت. در بحث بیامون توسعه نیافتگی و وابستگی هما نظریه که گفتیم نظرات مختلف در حد نسبتاً وسیعی در دسترس میباشند که لزومی به تکرار آنها در اینجا نیست. این مقاله به روش ساختن ما هم و اشکالات اساسی در تحلیل مسائل توسعه نیافتگی و وابستگی میپردازد و در صورت امکان نقد جامع تر با این نظرات مطروحه در فرصتهای آینده مورد توجه قرار خواهد گرفت.

توسعه نیافتگی یک عارضه و ویژگی با اختار سرمایه داریست که در ارتباط با مجموع سیستم سرمایه داری جهانی تعیین میگردد. رشد سیستم سرمایه ی جهانی خودی خود موجب رشد جوامع توسعه نیافته نیست بلکه برعکس توسعه ی سرمایه ی جهانی گسترش توسعه نیافتگی را در کشورهای بیامون بسط همراه دارد.

جوامع سرمایه داری اروپا در صد سال پیش از این نسبت به زمان حاضر هر چند در ثروت دنیا فته حساب آیند اما نمیتوان آنها را توسعه نیافته، بدان معنا که در اینجا مورد نظر ما است

توصیف کرد. در عوض جوامعی که تحت هجوم استعمار قرار گرفتند ما اینجا توسعه نیافته نبودند بلکه این توسعه نیافتگی نتیجه ی چگونگی دخالت و غلبه ی شیوه ی تولید سرمایه داری در صورتی است که مایل سرمایه داری بود. بطور کلی با اختار توسعه نیافتگی فاقد آنچنان پیوند و ارتباطی میان اجزا و اجزا که به خود است که سواد دنیا ره آسانی خود را تجدید تولید نماید و از این رویک سیستم نافی حساب مبادی که تنها از طریق انکا و پیوند با سیستم جهانی میتواند ادامه ی حیات یابد. توسعه نیافتگی در حقیقت اشکال وابستگی را تعیین میکند معمارت دیگر وابستگی بر اساس ویژگی توسعه نیافتگی در جوامع مختلف سرمایه داری وابسته تفاوت میکند. اشکال وابستگی بطور عمده در وابستگی بازار داخلی به خارج و ابزار تولید، مهارت و فنون بشرقیه با بطور کلی تکنولوژی است و بر محرک است سرمایه ی معمارت دیگر فرایند است سرمایه و تحقق ارزش اضافی، که در مراحل تعیین کننده سرمایه به جهانی وابسته میباشد.

در اینجا یک توضیح در مورد نام زوار ارتباط مقوله - بندی توسعه نیافتگی و وابستگی لازم است. در بررسی علمی از صورتی است که این جوامع سرمایه داری مقوله ی وابستگی از لحاظ نفس و عملکرد در ارتباط با اختار توسعه نیافتگی با نیافتگی معما و مفهوم پیدا میکند. وابستگی هم در صورت جوامع توسعه نیافته هم توسعه یافته وجود دارد. بطوریکه میتوان از وابستگی سرمایه داری فرانسه به اروپا و در مقایسه ی بزرگتر از وابستگی سرمایه اروپا به آمریکا (بویژه در سرمایه گذارهای پیشرفته و مدرنی چون الکترونیک و... نام برد. لیکن این وابستگی، وابستگی جوامع توسعه یافته به نظام سرمایه داری است. و درست به همین خاطر هر کدام از جوامع توسعه یافته در عین وابستگی به سرمایه داری جهانی دارای نوعی استقلال نسبی هستند. این استقلال نسبی نه یک استقلال مجرد که فقط در ذهن تصور شود بلکه آنچنان استقلال نسبی است که در مجموعه ی سیستم جهانی معما و مفهوم دارد و کارکرد خاص خود را در ارتباط با اختار درونی جامعه خود در هم آمیختگی با کل نظام سرمایه داری جهانی بنا میکند.

دقیقاً و دقیقاً وابستگی در ارتباط با اختار و ویژگی توسعه نیافتگی در نظر گرفته شود مسئله ی عدم استقلال سرمایه داری مطرح است. نادیده گرفتن رابطه ی مفهوم وابستگی با اختار توسعه نیافتگی با توسعه نیافتگی و مقابل فرار دادن این مفهوم با مفهوم استقلال بطور مجرد توسعه نیافتگی یا توسعه یعنی "وابستگی تا استقلال" میباشد. جالب است که در این مورد یک استنتاج منطقی غلط جایگزین تحلیل علمی و نتایج حاصله از آن گردیده است. در منطق بعضی کلمات اصطلاحاً هم دارای معنایی "درونی" و هم "بیرونی" هستند مثلاً کلمه ی مثلث، سه ضلعی که مجموع زوایای آن ۱۸۰ درجه است تعریف میشود (تعریف "درونی") اما مثلث انواع مختلف دارد مانند قائم الراویه، مناسوی الساقین و... (تعریف "بیرونی"). همدی کلمات لزوماً دارای تعریف "درونی" مشخص نیستند مثلاً کلمه ی میوه یک کلمه ی مجرد است و میتوان گفت میوه ی سیب، کلابی و کوجه اما این کلمه ی خودی خود معنی مشخص "درونی" ندارد. در مورد بعضی کلمات میتوان به رابطه ی تفاوت منطقی و یکبار بردن کلمه ی ضد آن منوس شد ما نباید لایا شین با اشکال و جنوب و نظایر آنها. کلمه ی وابستگی چون بخودی خود معنای "درونی" مشخص ندارد از لحاظ منطقی در برابر کلمه ی استقلال با خود کفائی قابل تعریف است. لیکن

این تعریف منطقی نمیتواند در جای تحلیل واقعی و اجتماعی قرار گیرد. انحراف مزبور با درکی آمبریک (تجربی) از تحلیل اجتماعی - طبقاتی به تنعیم بارهای از مواد معدنی مانند انواع وابستگی تکنولوژیک، بازار، محصولات و... اکتفا میکند و چنین سببگیری میکند که سرمایه داری وابسته با بد زمین برود و جای آبرو سرمایه داری مستقل بگیرد. واضح است که این وابستگی کلی و استقلال کلی به سربینای تحلیل اجتماعی - طبقاتی بلکه سربینای استنتاجات منطقی اشتباه منطقی است. درست به همین خاطر زمانیکه مسئله ای مشخص کردن مفهومی استقلال طرح میشود تمام راه حل ها به یک سری برنامہ های اقتصادی جهت آرمیان بردن انکال وابستگی های دگر شده ختم میشود.

مسئله این است که تئورسین های انحراف مزبور روس مارکس و ناکیدوی را بر امر شیوه تولیدنا دیده گرفته اند. انکال در صفت سببایی نیست بلکه مسئله نداشتن ابزار لازم برای دیدن است. و این ابزار فقط در اختیار تئوریک خلاصه نمیکرد بلکه بای متابع و سمت گیری طبقاتی در میان است.

بهر حال ضعف عمده ی تئورسین های "وابستگی" دقیقاً در ناکیدوی شیوه توزیع، مواد دله و مصرف و ناکیدوی گرفتن شیوه تولید بوده است. امری که مارکس قسمت عمده ی بحث خود را در مقدمه ای بر بنفد اقتضا سیاسی (۱۸۵۷) بدان اختصاص داد. و اظهار داشت که شیوه تولیدی: شیوه توزیع، مواد دله و مصرف را تعیین می نماید و آنچه در تحلیل آرمیان سبب است اجتماعی جامعه در درجه اول اهمیت قرار دارد تعیین شیوه تولیدی حاکم و چگونگی غلبه ی آن بر جامعه میباشد.

ناکیدوی وابستگی صرفاً سربینای بازار، مواد دله یا مصرف بدانها خواهد رسید که نمیتوان حتی از "وابستگی سرما به داری شهرها" به یکدیگر سخن گفت. آنا بر اساس همان فاکت ها از قبیل بازار، تولیدات و با حتی فرایند انباشت سرما به نمیتوان گفت که فی السبل "سرما به داری اصفهان" به "سرما به داری ایران" و یا حتی به "سرما به داری تهران" وابسته است؟

عدم توجه به مسئله ی روابط تولیدی و آنچه در مورد ارتباط معنا و مفهوم وابستگی با ساختار تولیدی جامعه توسعه یافته با یافته گفته اند، تمامی مرز بندی تحلیل علمی و تاریکسینی از جامعه را با تحلیل های بورژوازی - یوز - بنیویستی محدود می کند. مسئله ای که نمیتوان آنرا با دادن جملات غریبه سرما به داری و با مطلق جانسبنداری از دولت انقلابی و مستقل از امپریالیسم جبران کرد. اکنون میتوان کمی بهتر به بررسی شیوه تولیدی و چگونگی غلبه ی شیوه تولیدی سرما به داری در جوامع ماقبل سرمایه داری و منشا توسعه یافته ی در جوامع مزبور پرداخت.

البته ناکیدوی که نه بر شیوه ی تولید خود نمیتوانست انحرافات تازه ای به همراه آورد. بعلاوه فقدان نیست که مطلقاً و تجربی است که ناکسون در چهار چوب تئورسین های "وابستگی" بدست آمده ناکیدوی گرفته شوند. اگر دیدگاه انحرافی "وابستگی" با مآله و توصیف ظواهر امر قار در سه توضیح علمی و روابط واقعی و اجتماعی موجود نیست، لیکن عیناً بر سودمند در همان مناهات نیز هر اندازه جنیدی توصیفی داشته باشد هنگامیکه بر اساس توضیح علمی و شناخت از شیوه ی تولید مبنی باشند به روشن کردن جنبه های اساسی سرما به داری وابسته کمک موثری می نمایند. و آنوقت بررسی های انکال گوناگون وابستگی در سطح و کیفیت غالبتری جبران خواهد یافت.

مشکلی وابستگی بیهمان اندازه مورد جدل بوده که منشا سرمایه داری از بطن جامعه ی فئودالی اروپا، رشد جوامع ماقبل سرمایه داری ناکیدوی که بدین شکل تکامل نیروه های مولده که سطح تکامل نیروهای مولده مورد نظر است زمانسبندی تاریخی خود را داشت و بسته به ترکیب مناسبات تولیدی در گذشته و حال این صورت بندی های اجتماعی تعیین میگردد. دخالت استعمار در جوامع ماقبل سرمایه داری زمان تاریخی جدیدی در ترکیب آنها بوجود آورد که نتایج منطبق بردن استعمار این جوامع نبود بلکه آنرا از اساس دگرگون نمود.

بدین لحاظ نمیتوان از تنها یک زمان تاریخی در مورد این جوامع صحبت کرد مگر آنکه صرفاً مسئله رشد در این سطح تکامل ابزار تولید برای کلیه ی صورت بندی های اجتماعی معیار واحدی فرض کرد و در آن صورت یک زمان تاریخی که تمام جوامع با آن مقایسه گردد را انتخاب کرد. اما زمانیکه مسئله ساختار جامعه از لحاظ توسعه یافته ی منظر است با بد توجه داشت که مجموعه ی این ساختار و ترکیب خاص صورت بندی اجتماعی - شیوه ی تولید سرمایه داری بر آن غالب شده و چه هنوز غالب نشده باشد، هر کدام آرمیان بندی خاصی تبعیت میکنند که آهنگ و شکل دنیا میزم خود را دارد.

بطور کلی دخالت استعمار با عت از هم با بندی ترکیب صورت بندی اجتماعی و بر میان محدودتر تلاقی اقتضا طبیعی آن جامعه میگردد و ناکیدوی است که اجزاء جامعه دیگر به بر اساس دنیا میزم ترکیب پیشین بلکه بنا به تحرک و تحول ویژه ساختار سرمایه داری در آن جامعه و ارتباط آن با مجموعه سیستم سرما به ی جهانی شکل بگیرند. از آنرو است که مسئله ی توسعه نیافتگی جامعه در ارتباط با کمال سیستم جهانی سرما به منشا هده میشود.

برای مثال میتوان تولید ابزار تولید در جوامع توسعه یافته را در نظر گرفت. بطوریکه میدانیم تکامل ابزار تولید سرمایه داری اروپا در شرایطی بود که میباید هر یک از اجزاء آن در ارتباط و بیوندی هم رشد میدادند چرا که با ابزار تولیدی هموزا خند نشده بود و برای اخذ ابزار تولید جدید تکامل سایر ابزار تولید لازم بود. در جوامع توسعه یافته رشد تولید ابزار تولید بر اساس نیازها و منافع سرما به جهانی تعیین گردیده و جز در موارد استثنائی لزوماً در ارتباط و بیوندی هم نیستند. بدین لحاظ است که در اکثر موارد شرایط جدید تولید ابزار تولید در جوامع توسعه یافته، بعنوان یک سیستم، موجود نیست، ناکیدوی توسعه یافته ی ترکیب تولید و جدید تولید و سبب تولید امروزه وابستگی تکنولوژی خوانده میشود. این توسعه یافته ی ترکیب سرما به ی زمانه ی ابزار تولید و سرما به ی کار با ابزار تولیدنا شیرویزدای دارد که در اساس با جوامع توسعه یافته تفاوت میکند.

در مثال دیگر میتوان نقش نیروی کار و فرایند جهانی آن را از ابزار تولید در نظر گرفت. دوران نسبتاً طولانی گذار از ما یوفا کثوره صنعت در اروپا و گسستگی دهقانان از زمین و ابزار تولید و بیوندی آنان به ارتش دخیردی کار و انباشت سرما به باعث میدانی آنچنان نیروی کاری شد که با تحرک لازم توانست جرخ سرما به را بحرکت در آورد و همراه تکامل سرما به داری سیر تحول طبیعی خود را طی کند. این نیروی کار نمی توانست جز در مسیری گذار انباشت سرما به ایجاد شکل گیرد و چون از مکان اصلی خود جدا گشته و همچون وسله ای جز نیروی کار خودی نداشت نه تنها با آزار بر روی نیروی کار را تشکیل میداد بلکه خود مشوبی انباشت گسترده تر سرما به بود. نیروی کاری که تحت شرایط تولید تراحتی از یک بخش به بخش دیگر صنعت انتقال می یافت و درست همین حیلت عمده ی کالای نیروی کار بود که از نظر مارکس مشخصی آنرا در جامعه سرما به داری از جوامع ماقبل آن متمایز میکرد. فرایند تکمیل بازار نیروی کار در جوامع توسعه یافته نمی توانست همان سیر جوامع توسعه یافته را پیما بد. در این شدت و ضعف آهنگ انباشت سرما به جا و مکان آن، و کیفیت سطح تکنیک و تناسب آن با بازار نیروی کار، گدما مسا چگونگی بکار گیری و شرکت نیروی کار در تولید را تعیین میکنند در درون جامعه تعیین نمیکرد بلکه از خارج توسط نیازهای سرما به جهانی تعیین میشد.

نتیجه اینکه بخش قابل ملاحظه ای از نیروی کار خارج از فرایند انباشت سرما به در ارتباط و ارتباط تولیدی سنتی باقی می ماند و حتی بخش هایی که جذب فرایند انباشت سرما به میشد نیز شرایط مشابه جوامع توسعه یافته را دارا نبود. بطور نمونه زمانیکه هنوز اکثریت نیروی کار را قدامت یار لازم است بخش هایی از سرما به گذار به با جدا گشته یکنگ وجود دارند که طبیعتاً در صدها چیزی از نیروی کار را جذب کرده و در عین بسیاری از سرما به گذار به که میتوانست بخش زیادی از نیروی کار را جذب نماید چشم نمی خورد.

بطور کلی تا سیر خاص توسعه یافته ی ترکیب سرما به ی

سروی کار باحت ویزه آرا از جوامع توسعه یافته مسما سز
 میکند. مثلا رتدروابط بورکراسه زده شده که همبای گسترین
 تولید سرما به در جوامع توسعه یافته موجود میا با رتد دستگاه
 وسیع بوروکراسی در جوامع سرما به داری وابسته که منبسع
 نغده ی آن وجود سروی کار با نابل ملاحظه ای در خارج از فرا -
 بسدانیات سرما به مسما شد. کا مثلا معا و پد است. جنس
 جا بعدای ستر از آنکدر بر تولید تمرکز کند. مضر ف کسده است.
 مخر غیر تولیدی. به غیر از وابستگی به واردات و بسا زار
 داخلی محبورا است بخا اعظم انادات سرما به را بسا از حسد
 مسما سز به بسو سیدکا لاهای مرفه ای احتما ص دهد.

سماح کلی که از مصالحهای فوق در مورد بازر تولید
 و سروی کار باست سنا بد اهمیت سرری شیوه ی تولید و ساخت
 توسعه یافته ی و سرگی ترکیب خورسندی احتما عی سرما به
 داری وابسته را روشن مسما زد. یکی از جنبه های مهم
 سرری شیوه ی تولید مسملدی با رما ندهی تولید است. اس
 با رما ندهی تولید بطور کلی سامل با رما ندهی کار با اسرار
 تولید با رما ندهی سروی کار با مسما شد. اگر مارکی سس
 محمول تولید شده و ابزاری که تولید توسط آن انجام میگیرد
 دومی را میسر و معین کسده ترمی داندهم جنس سس وسملدی
 تولید و کونکی تولیدنا کسدا بر چگونگی تولید با عسار
 دیگر با رما ندهی تولید و روابط تولیدی میگذارد. هر شیوع
 نظم و انسک و دیگر کونی سا حنا ر توسعه یافته ی جز در تعسیر
 اساسی روا بد تولیدی معنا ندارد.

انحراف در منبسع تکنولوژی با عمده جلوه دادن
 رسدنیکسک و با مظلوم مدرسه کردن جا بعد با تحت عسوان
 سناست جا بگر سبی واردات توسط تولید داخلی. تراستی سنا
 دیدگاه علمی که اساس خود را تعسیر روابط تولیدی میگذارد
 ندارد. سبب از آنکه تحت سرسیرا مدی اقتصاد فطسع
 وابستگی با بد مسملدی تولید و با رما ندهی تولید با سس
 متخص گردده که در اساس سسکی به سخص ما هت انقلاب طبقه
 در قدرت و سکل دولت پیدا میکند.

در رستندی سرری شیوه ی تولید جوامع توسعه یافته
 از انحراف دیگری نیز با مدسین گیری کرد. رما نیکه از عدم
 جدت بخش نابل ملاحظه ی سروی کار در فرا ابتدا سناست سرما به
 تحت مسود بطور کلی از وجود سکا لتولیدی سنی در صورت
 سندی احتما عی تحت روابط غالب سرما به داری با مدسیرده
 سنا بدحسب سناست که اس روابط تولیدی هر کدام سس
 بوارات یکدیگر با رما سسدی جدا گانه در کنار هم قرار دارند.
 در واقع سبوی تولیدی غالب جا بگاه و تقس روابط تولیدی
 دیگر را سرسعیس میکند. بطوریکه مستوان گفت رما نیکه
 شیوه ی تولیدی خاصی سسلا سرما به داری. غالب است تقس
 سنا با ی با ب روابط تولیدی موجود به بر سنا ی شیوه ی تولیدی
 که آرا سنا بدگی می کند بلکه بر سنا ی شیوه ی تولیدی غالب
 معا و معبوه پیدا میکند.

همچسب دوره سندی رابطه ی استعما روا میر با لیس با
 صورت سندی های ما قامل سرما به داری و جوامع سرما به داری
 وابسته سنا بد بطور جا مدرفه ی شود. استعما رتد دوران سرما به -
 داری رعا سنا رتد رتد سنا رها ی مختلف خود و سنا سس
 صورت سندی احتما عی خاص به گسترش با زار با استخراج مواد خام
 واستقا ده از سروی کار با رتد است. اس دوره که رتد بطور
 کلی دوره ی جدورکا لا و مخر با زار با سده مسشودا ما با سس
 تعسیرات عملگردا استعما رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد
 صورت سندی با ی احتما عی در سنا سنا عملگردا بحسب سنا
 آورد. در اس دوران صورت سندی با ی احتما عی تحت سلطه هنوز
 جزئی ار سسسم سرما به داری و استعما رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد
 مرحله دوران سلاسی ترکیب طبیعی صورت سندی با ی احتما عی
 و وابسته سس اجزایی آرا ن به سرما به ی استعما رتد

دوران امیر با لیس که بطور کلی جدور سرما به به جوامع
 تحت سلطه از ویژگی های آست خود مراحل مختلف از است سر
 میگذارد و با رتد عملگردا ن در جوامع گوناگون بسکا سسست.
 عواملی چون استقا ده از سروی کار با استخراج مواد خام
 و مخر با زار در اس دوران نقش خود را حفظ می کند. لیکس

می توان وجود اس عوامل را در همه جوامع مطلق گرفت.
 آنجه مسلم است در اس دوران جوامع سرما به داری وابسته
 سا سا خا رجا ی توسعه یافته ی سسوان جزئی از سسسم جهانی
 سرما به حساب میا سند.

از آنجه نا کسب کسبیم یک نتیجه گیری اساسی سسوان
 کرد و آن است که در مسما رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد
 مسملدی مهم تعسیر با رما ندهی تولید و روابط تولیدی
 است. سسبارت دیگر با بدیده سنا سنا سسنا سسنا سسنا
 جا بگر سس با رما ندهی تولید سرما به داری کرد. سنا سس
 در صفحات پیشین مقاله اتا رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد
 خود از سرما به داری وابسته. سسکونی سسنا سسنا سرما به داری
 را در حرف می پذیرد لیکس ادعا می کند که سس از اس دگر کونی
 جامعه یک حالت " اقتصاد با رما ندهی رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد
 طی خوا هد کرد. سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 باشد اسنا سنا با بد تولید کند و برای تولید رتد رتد رتد رتد
 با بد با رتد تولید خود تولید کرد و در جریان تولید و ابظی
 ما سس اسنا سنا بر قرار گردیده. با رما ندهی تولید سسعی
 بر تولید غالب گردد. اس با رما ندهی تولید. با رما ندهی
 سروی کار و با رما ندهی کار با با رتد تولید. با در حسی سرود
 که تولید کنندگان جا مع خود کنترل جریان تولید را بدست
 خوا هد گرفت و جا مع سسنا جا معی سی طبقه کموسسنا سسنا
 می کند و با سسکه روابط طبقه استعما رتد رتد رتد رتد رتد رتد
 با غیر سرما به داری. جریان تولید را در دست میگیرد. اسکه
 جامعه کدام مسسراطی خوا هد مسود به خطت مسما رتد رتد رتد رتد
 طبقه ی در قدرت و اتحا در دست با نا در دست طبقه کارگر با سس
 اقتا ر و طبقات سسکی پیدا میکند.

سما دیدکا هیاتی که سسوی بقدرت رسدن طبقه
 کارگر و دیگر توری سسولنا رما رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد
 به آسده ای دور سسنا میدهند در واقع سسنا سسنا سسنا سسنا
 طبقه کارگر تا سسند و با حرات سسند و سسنا سسنا سسنا سسنا
 منطقی تحلیل های خود را سنا رتد. علت اس امر است که
 هنوز سس از کسشت جدو سسنا سال از حسش کارگری سسنا
 و سسنا از سسنا سال از اولس اسنلاب سسنا سسنا سسنا سسنا
 آن و سسوی سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 دیدکا در سسعیس سرسرا ی رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد رتد
 بورژوازی جم دو سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 که در سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 آسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 عا جز است.

حالت تر آرا اسست که دیدکا توری سسولنا رما سسکه
 میا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 دیگر اس بورژوازی که در واقع سسنا سسنا سسنا سسنا
 است. سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 میا سسنا.

عزیزه ی خرده بورژوازی بدو حکم می کند که فعلا دیدکا توری
 بورژوازی سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 و فرهنگ سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 وی سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 سسکه در آن جزا کمسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 را در اس دولت سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 میگوید که سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 و فرهنگ سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 وجود سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا

نتیجه ی منطقی انحرافات سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 با قدرت را بدست میگیریم. آنوقت سسنا سسنا سسنا سسنا
 برای قطع وابستگی به سرما به سسنا سسنا سسنا سسنا
 تدریس کرده آرا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 خلقها بر قرار سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا سسنا
 هدایت کند.

ادامه دارد

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست